دو زن از قبیله ی هُذیل با یکدیگر درگیر شدند که یکی از آنها سنگی بسوی دیگری پرتاب کرد و آن زن و جنینش را به قتل رساند.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: دو زن از قبیله ی هُذیل با یکدیگر درگیر شدند که یکی از آنها سنگی بسوی دیگری پرتاب کرد و آن زن و جنینش را به قتل رساند. پس اختلاف را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بردند. پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین داوری فرمود که خونبهای جنین، یک برده یا کنیز می باشد و دیه ی مقتول به عهده ی عاقله (خویشاوندان پدری) قاتل است و آن را به عنوان ارث فرزندان مقتول و سایر وارثانش، قرار داد. آنگاه حَمَل بن نابغه هُذلی گفت: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ أَغْرَمُ مَنْ لاَ شَرِبَ وَلاَ أَكَلَ، وَلاَ نَطَقَ وَلاَ اسْتَهَلَّ؟ فَمِثْلُ ذَلِكَ يُطَلَّ»: «یا رسول الله، چگونه برای کسی که نخورده و نیاشامیده و سخن نگفته و حیات نداشته، جریمه پرداخت کنم؟ چنین کسی خونبها ندارد». رسول الله صلی الله علیه وسلم بخاطر سخن موزونی که بکار برد، فرمود: «إِنَّمَا هَذَا مِنْ إِخْوَانِ الْكُهَّانِ»: «این شخص، برادر کاهنان است» (مثل آنها حرف می زند).

[صحیح است] [متفق علیه]

دو زن از قبیله ی هذیل با یکدیگر درگیر شدند که یکی از آنها سنگ کوچکی را به سوی دیگری پرتاب کرد؛ سنگ کوچکی که غالبا کشنده نیست. اما این سنگ باعث کشته شدن آن زن و جنینش شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین داوری نمود که دیه ی جنین یک برده ی مرد یا زن است، فرقی نمی کند جنین مذکر بوده یا مونث؛ و پرداخت دیه ی آن به عهده ی زن قاتل می باشد. و همچنین در مورد زن مقتول، به دیه قضاوت نمود چون قتل وی شبه عمد بوده است و این دیه را باید عاقله ی قاتل بپردازند. چون مبنای آن بر همکاری و تعادل می باشد و قتل غیر عمد بوده است. و دیه میراثی بعد از مقتول می باشد که به فرزندان و وارثانش می رسد و عاقله سهمی در آن ندارند. این بود که حمل بن نابغه مادر قاتل گفت: ای رسول خدا، چگونه دیه ی کسی را بپردازم که مرده سقط شده و چیزی نخورده و نیاشامیده و سخنی نگفته تا حیات وی ثابت گردد؟ و این سخنان را با اسلوبی مسجع بیان نمود. رسول الله صلی الله علیه وسلم این سخنش را با این طرز بیان نپسندید چون رد احکام شرعی را با ادبیاتی متکلفانه شبیه ادبیات کاهنان در برداشت که اموال مردم را به باطل می خورند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/2940